

(۵)

نابودی انسان

انتظار چنین فاجعه دردناکی است بلکه توقعات ما را در مرحله دیگری سوق میدهد، مرحله‌ای که انسانیت را از چنین شایعه‌ای بوسیله قدرت و طبیعت و عواملی که در درون انسان نهفته است و کربان و شحمیت او را میسازد، بر حذر دارد و مسیر خطرناک انسان امروز را تا سر حد اختیار داعی دیگر و روشی دیگر تغییر دهد و بر تمام مشکلاتی که بشریت را بطور عنف و قهر و بدون اختیار مگر فتنار ساخته فائق آید:

مطالعه در تاریخ نشان میدهد هر وقت که حیات انسانی و امتیازات انسانیت تهدید به نابودی گشته، تحولی مرموز و اسرار آمیز و معمولاً دارای عوامل ناشناخته‌ای بوقوع پیوسته و از انهدام انسانیت جلوگیری بعمل آورده است.

اما باید باین واقیعت دردناک نیز اعتراف نمود خطری که از این راه نسل بشر را تهدید میکند بمراتب بیشتر و شدیدتر از انواع تهدیداتی است که در طول تاریخ بشر بیاد دارد.

۵۵۵

عده‌ای در راه ساختن یک زندگی بهتر و تحولی اساسی در زیر بنای حیات انسانی، آمل و

زندگانی فعلی جامعه انسانی را این راه و روشی که دارد ممکن نیست ادامه بدهد و منظور نگهداری انسانیت و صفات و خصائص انسانی از خطر نابودی باید یک سلسله تغییرات اساسی در ساختار حیات انسانی دست داد بدین است؛ مانیکه خصائص انسانی نابود گردد حیات انسانی هم بدنیال آن از بین میرود.

بحره زندگی جوامع فعلی بشری پیش از پیش نابودی و انهدام امتیازات و خصائص انسان را همراه دارد و او را از یکطرف بصورت «آلت و ابزار طرف دیگر بصورت «حیوانه» در آورده است، آنچه که هم اکنون از آثار این خطر زندگی در ستم‌هایی که با آخرین مرحله تمدن مادی رسیده اند، مشاهده دیگر در عبارت است از: اعلام و نشان‌هایی از کاهش خصائص انسانی همراه با ترقی و نمو خصائص ماشینی و حیوانی. همین مقدار برای بیان گوشه در راه انهدام خصائص انسانی و اینکه زندگی انسان یا این وضع امکان ندارد در مراحل ترقی داپشت سر گذارده به مرحله نهائی خود برسد (اگر بطور کلی نابود گردد) کافی است.

اما رجاء به زحمت پروردگار مانع از

اگر امروز بر تضرع قردا یا خواست و اگر اینجا قیام نگذاید دیگر نهتنها بیکه برای اینکه «تشریح» را از «نابودی» اندازد تا بودی خصائص انسانیت و حیات انسانی که قوام آن بستگی به حفظ امتیازات انسانی دارد، نگهدارد.

۵۵۵

حال باید دید چگونه حیات انسانی از راه نابودی امتیازات انسانیت و در سایه تمدن قرن بیستم و درامتداد روش زندگی اجتماعات امروز تهدید نه تا بودی گشته، آنچه تا تهدیدی که قیام نهتنها عقلی و در وری و انسانی، اجتماع اسلامی را الهیاب میکند.

مطال است که باید بآن پاسخ گفت و ما در اینجا سعی در رعایت اختصار و اول هم و اساسی این را بر میسریم.

۱- تحلیل همه جانبه انسانیت با انسان

تجربیم گسترش علوم نادق و سنایس که بر اساس اصول فنی مرفقی استوار است حول انسانیت با انسان فوق العاده میباشد و همین علت عجزی بقا استقامت از پیش خود نظامی که شامل همه جوانب زندگی انسان و متناسب با طبیعت و

تجربیم گسترش علوم نادق و سنایس که بر اساس اصول فنی مرفقی استوار است حول انسانیت با انسان فوق العاده میباشد و همین علت عجزی بقا استقامت از پیش خود نظامی که شامل همه جوانب زندگی انسان و متناسب با طبیعت و

۲- اشتباهات

اشتباهات در زندگی انسان با توجه به اطلاعات محدود و ندادن فوق العاده وی، از آنوقت شروع شد که راه خود را از راهی که بقیه درص ۵۸

آرزوهای خود را در مکتب مارکسیسم متمرکز نموده و چنین پنداشته اند که این مائز الیوم دیالکتیک و تفسیر اقتصادی تاریخ بر اساس تحول است که میتواند زندگی انسانها را در گونگون نموده و بشریت را از خطر نابودی برماند و حال آنکه این پندار، وهی بیش نیست زیرا

مارکسیسم اولاً، با منطبق دیالکتیکی خاص خود و تفسیر و توضیحی که درباره تاریخ و همه پدیدههای عالم دارد، خود را پیش از همه چیز در مسیر نابودی قرار داده (۱) و ثانیاً، این مکتب بیچوجه نمیتواند تحولی اساسی و همه جانبه در زندگی انسان بوجود آورد بر مارکسیسم تنها از دیدگاه ماده کیفیت و چگونه حیات انسانی را مورد مطالعه قرار داده و سایر مراحل و جنبه های کلی و قابل توجه را که در وضع یک ایدئولوژی قابل اعتماد دخالت کامل دارند، بیخورد کلی نادیده گرفته است.

انسان اینست که بایک مطالعه دقیق و فحیر مفرسانه در گذشته و حال و آینده باین نتیجه خواهیم رسید که راه حلی برای نجات بشریت و رهاندن وی از این همه مشکلات عقلی و نگهداری انسان از راه حفظ خصائص انسانی در حلقه طرز فکر اسلامی، راه اسلامی، حیات اسلامی و اجتماع اسلامی یافت نخواهد شد و از همین جا است که ما پیشنهادیم که قیام اجتماع اسلامی یک ضرورت حسی طبیعی و فطری است و این اجتماع

(۱) یا اصطلاح گود خود را یا دست خود کند است

(۲) در شماره های سال قبل پارهای از بحثهای مربوط باین فصل را ترجمه کردیم

بقیه نابودی انسان (ص ۵۴)

پروردگار حکیم و دانای به فطرت و طبیعت انسان ، باو نشان داده بود ، چنانکه در راهی که خوابگوی همه نیامدند ، یعنی فطرتی و واقعی انسان است ، راهی که خسایس و بی‌سپهر و راند و به ثمر میرساند و بالأخر راهی که انسان را برای اخراج مقام «خلیفة اللہی» آماده میکند و استعدادهای درونی او را پرور میدهد .

۳- عدم تناسب تمدن مادی با انسان :

کاخ تمدن مادی بر اساس نیازمندیهای واقعی انسان ، بالا برنده و از این نظر به خصائص انسانی ادرسی قابل نیست و انسان وحده چیز او را با معیاریهای ناشی و حیوانی میسجد !

۴- قله نور نتایج ناگواری از تمدن مادی در میان ملت‌نایبیکه با آخرین درجه تمدن رسیدند !

آثار و نتایج نومی که از عدم توجه با ناسایت انسان مشتق گرفته و جامعه بشریت را در پرستگاه سقوط و نابودی قرار داده است .

شرح و توضیح این عوامل میتواند دور- نمایی از حقیقت این تراژدی را که انسانهای امروز (انگلیس ، بلژیک ، فرانسه ، آلمان ، آمریکا ، روسیه ، چین ، هند ، ژاپن ، و غیره) می‌توانند طاعتشکوه مند رحمت پروردگارا از راه گوش فرادادن به ندای فطرت و خطاب خداوند ، ولو در آخرین لحظات ، روشن سازد . *

دقیق خود را برای ما بفرستند تا بنامه ایشان پاسخ دهیم .

و نیز به روزی ۲۰ م . ب تو سپه می‌کنیم که هر چند در مآخراخ خود بدون هیچگونه عجز و حالت با ما در تان در میان بگذارید . *

که يك جمله هر قدر هم بر تیراژ باشد نمیتواند با آنچه میلیون گرام کنند و عوامل فساد بی‌حسب و ماعم مترقی که نجات نسل جوان کنونی ، نیازمند به نشریات متعدد و گوناگون ، کتابخانه ها ، میدانهای ورزشی سالم ، باشگاههای سالم برای جوانان ، جلسات و انجمنهای خالص اخلاقی و مذهبی و امثال آنست و باید همه مردم مسلمان این کشور بتواند یک طرفه مقدس مذهبی و اجتماعی و اخلاقی در راه تحقق بخشیدن باین زیر نامه بکوشند .

ولی متکامینکه انسان در پاشه محیط آلوده به بیماری و انواع میکربها افتاد اگر نتواند آن محیط را کاملاً گندزدائی و ضد عفونی کند و همه میکربها را از بین ببرد و باید از طریق دیگری که در پزشکی پیش بینی شده وارد شود و آن تقویت بنیه خویش است زیرا میکربها همواره حمله با افراد ضعیف و ناتوان میکنند .

جوانان عزیز و با ایمان مسالم در شرائینا گنونی ضمن مبارزه با عوامل فساد باید بکوشند «بنیه ایمان» خود را از طریق تعالیم اسلامی ، از طریق مطالعه کتب سودمند ، معاشرت با جوانان شریک در اجتهاد و جلسات مذهبی که برای جوانان در بسیاری از شهرها تشکیل شده کتابت نمایند ، و البته سرگرمیهای سالم برای خود ، دوری از عوامل تخریک کننده ، مانند فیلمهای مضر و رمانهای شهوت انگیز و امثال آنها ، خود را از عوامل گناه دور سازند .

در ضمن آقای محمد تقی علوی از اسفهان نامه ای نوشته اند که از ماجرائی عجیب و ترکان- هنده حکایت می‌کنند ما از ایشان میخواهیم آدرس